

تحلیل جامعه شناختی مشارکت سیاسی دانشجویان، نمونه مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه تهران

علی اصغر فیروزجانیان، جهانگیر جهانگیری

چکیده

هدف از انجام این تحقیق، تحلیل جامعه شناختی مشارکت سیاسی دانشجویان است. این تحقیق به شیوه پیمایش انجام شده است. داده ها به وسیله پرسش نامه از ۳۷۹ نفر از دانشجویان دانشگاه تهران جمع آوری شده است. در این تحقیق از نظرات لیست، هانتینگتن، گوئل و میلبراث و جامعه پذیری سیاسی استفاده شده است. چارچوب نظری تحقیق، ترکیبی و با تأکید بر نظریه جامعه پذیری سیاسی می باشد. نتایج تحلیل دو متغیره نشان می دهد که از میان ۲۱ متغیر مستقل، بین ۱۶ متغیر (سن، جنس، وضعیت تأهل، تحصیلات مادر، تحصیلات پدر، نوع شغل پدر، منزلت شغلی مادر، محل سکونت فرد، وضعیت اقتصادی، نوع دانشکده، خانواده سیاسی، دوستان سیاسی، شرکت در انجمن های ارادی، تعهد مذهبی، استفاده از وسائل ارتباط جمعی، گرایش به رسانه ها) و مشارکت سیاسی فرد رابطه معنی داری موجود بوده و بین ۵ متغیر مستقل (تحصیلات فرد، وضعیت شغلی فرد، نوع شغل مادر، منزلت شغلی پدر و قومیت) و مشارکت سیاسی فرد هیچ گونه رابطه معنی داری دیده نشده است. نتایج تحلیل چند متغیره نیز نشان می دهد که از میان متغیرهای مستقل تنها ۵ متغیر (به ترتیب دوستان سیاسی، خانواده سیاسی، گرایش به رسانه ها، شرکت در تشکل ها و تحصیلات پدر) وارد معادله رگرسیونی گشته است که در مجموع ۶۴/۸٪ از واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده اند. نتایج حاصل از تحلیل چند متغیره اهمیت نظریه جامعه پذیری سیاسی را در تبیین مشارکت سیاسی به خوبی نشان می دهد.

کلید واژه: مشارکت سیاسی، ابعاد مشارکت سیاسی، جامعه پذیری سیاسی

مقدمه

مشارکت سیاسی^۱ یکی از مفاهیم رایج در حوزه سیاست است. زمانی که بحث از توسعه در این حوزه به میان می آید مشارکت سیاسی به عنوان یکی از پرکاربردترین مفاهیم برجستگی خاصی دارد. و عموماً از آن به عنوان مؤلفه اصلی توسعه سیاسی^۲ نام می برند. اگر توسعه سیاسی را فرآیندی بنامیم که از طریق آن زمینه های لازم برای نهادینه کردن مشارکت سیاسی و در پی آن تواناسازی یک نظام سیاسی میسر می شود، کشورهای مختلف بر این اساس در سطوح متفاوت قرار می گیرند.

مشارکت سیاسی جایگاه بلندی را در جامعه شناسی سیاسی به خود اختصاص داده است. و جنبه های گوناگون آن مورد بحث و بررسی های پژوهش گران مختلف قرار گرفته است. مشارکت سیاسی با مهم ترین مباحث مربوط به علم سیاست، نظیر احزاب، گروه های فشار، روابط مردم و حکومت، جامعه مدنی و نظایر آن پیوند عمیق و ناگسستنی دارد. با وجود متون غنی در این زمینه موضوع مشارکت و علل و انگیزه های آن همچنان مورد گفت و گو و مباحثه است و اختلاف در این مقوله محسوس و در خور ملاحظه می باشد و حقیقتاً همچنان در هاله ای از ابهام قرار دارد (ایوبی، ۱۳۷۷: ۱۸۵).

کاهش مشارکت سیاسی در جامعه به معنای ایجاد جدایی و انفصال بیشتر بین مردم و سیستم سیاسی است. این وضعیت در نهایت در برنامه ریزی های اساسی برای اداره جامعه و ثبات و سازماندهی اجتماعی اختلال ایجاد کرده است و با ایجاد تنش ها و بحران ها از انجام برنامه های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ممانعت به عمل می آورد. افزایش مشارکت سیاسی در جامعه می تواند در ایجاد تعادل و هماهنگی لازم نقش بسیار مثبتی را ایفا نماید.

اگر نظام های سیاسی بخواهند باقی بمانند باید نسبتاً مؤثر و مشروع باشند. آنچه که یک دولت انجام می دهد، باید حداقل به اندازه کافی شهروندان را راضی کند تا اینکه آن ها را در مقابل دولت قرار ندهد. این نظام ها برای بقاء طولانی مدتشان باید کاملاً به وسیله شهروندان به عنوان اشکال مناسب حکومت پذیرفته

۱- political participation

۲- political development

شوند. ثبات یک نظام سیاسی اساساً تحت تأثیر رقابت و مشارکت سیاسی می باشد. رقابت و مشارکت سیاسی بر مؤثر بودن و مشروعیت یک نظام تأثیر خواهند گذاشت (آلموند و وبرا، ۱۹۶۳: ۳۳۰).^۱

خلاصه اینکه، مشارکت سیاسی به عنوان مفهوم اصلی توسعه سیاسی از اهمیت زیادی برخوردار است. برخی از مهم ترین ممیزات حصول این شرط عبارتند از: ۱- قاعده مند شدن انتقال قدرت سیاسی از گروهی به گروه دیگر ۲- استمرار چرخش نخبگان و دگرگونی در گروه حاکمه ۳- افزایش احساس مسئولیت در مقابل خواسته های جامعه از طرف حاکمان سیاسی ۴- ضرورت پیدایش سازمان های حزبی ۵- کاهش اتخاذ سیاست های خشونت آمیز و سرکوب گرانه از طرف حاکمان ۶- کاهش دست زدن به خشونت از طرف مخالفان ۸- تأثیر مثبت بر فرهنگ سازی سیاسی در جامعه از طرق جامعه پذیری سیاسی.

اما با توجه به مطالب بالا سؤالی که در رابطه با دانشجویان به ذهن خطور می کند این است که اهمیت درک رفتار سیاسی دانشجویان چه می باشد. یعنی دانشجویان به عنوان یکی از گروه های اجتماعی دارای چه خصوصیات و مشخصاتی در ارتباط با حوزه سیاست می باشند که شناخت رفتار سیاسی آنها با اهمیت جلوه می کند. قطعاً دانشجویان از فعالان سیاسی در جامعه امروزی ایران هستند که با توجه به کیفیت و کمیت جریان دانشجویی در کشور تأثیر آنها بر آینده سیاست در جامعه ایرانی مشخص تر خواهد شد.

با توجه به نقشی که دانشجویان در آینده کشور از لحاظ اداره امور و فعالیت ها دارند و قدرت و توانایی دانشجویان در دامن زدن به تحولات اجتماعی روشن است که فهم گذشته و تبیین رفتار آنان در حال حاضر ما را قادر به پیش بینی بسیاری از موقعیت ها، نگرش ها و وقایع آینده خواهد ساخت. دانشجویان یکی از ارکان اصلی توسعه سیاسی هستند چرا که بسیاری از شاخص های توسعه یافتگی را در مقابل گروه های سنتی دارا هستند. در بررسی قلمرو سیاسی در ایران، حرکت سیاسی دانشجویان یک شاخص مناسب است و می توان از طریق آن دیگر تحولات را سنجید. (محمدی، ۱۳۷۸: ۱۰-۹)

بنابراین با توجه به اهمیت شناخت کیفیت و مشارکت سیاسی دانشجویان این تحقیق به بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان می پردازد اما با توجه به گستردگی این عوامل اهداف این تحقیق به طور مشخص به قرار زیر می باشد:

اهداف تحقیق

- الف- بررسی تأثیر متغیرهای جمعیت شناختی بر مشارکت سیاسی دانشجویان
 ب- بررسی تأثیر وضعیت اقتصادی و اجتماعی بر مشارکت سیاسی دانشجویان
 ج- بررسی تأثیر عوامل جامعه پذیری بر مشارکت سیاسی دانشجویان

تعریف مشارکت سیاسی

قبل از تعریف مفهوم مشارکت سیاسی این نکته قابل ذکر است که این مفهوم به لحاظ محتوا تغییرات زیادی را از گذشته تا کنون پشت سر نهاده است. به عنوان نمونه اکنون تأکید مستقیم یا غیرمستقیم کمتری بر رأی دادن یا فعالیت‌های مربوط به انتخابات وجود دارد بلکه اندیشمندان درصدد هستند به خاطر عمومیت برخی از رفتارها مانند اعتراضات و خشونت سیاسی، آن‌ها را به عنوان نوعی مشارکت در نظر بگیرند. به طور کلی چند بُعدی شدن مفهوم مشارکت چیزی است که ارتباط نزدیکی با گسترش قلمرو این مفهوم داشته است. در ادامه سعی بر آن است تا با ارایه تعاریف متعدد از مشارکت سیاسی به تعریفی جامع از آن دست پیدا کنیم. این تعاریف در جدول زیر آمده است:

جدول شماره ۱- تعریف مشارکت سیاسی از نظر محققین مختلف

ارایه کننده تعریف	تعریف مشارکت سیاسی
اسکف، ۱۹۷۵: ۴۵۹	به نظر او دو مفهوم متضاد از مشارکت سیاسی به معنای تعامل و کنش ابزاری وجود داشته است. او مشارکت را به معنای یک کنش عقلانی ای در نظر می گیرد که افراد به آن دست می زنند نه به عنوان چیزی که آن را به دست آورند.
هانتیکون و دومینگوز ۱۹۷۵: ۳۳	مشارکت سیاسی، فعالیت خصوصی شهروندان به قصد تأثیر گذاری بر تصمیم گیری‌های دولت است. او به دو نوع مشارکت اختیاری ^۱ و مشارکت بسیج شده ^۲ اشاره دارد.
هاگیو، ۱۹۹۸: ۸۰	مشارکت سیاسی فعالیتی است که از طریق آن افراد رسماً متمایل می شوند تا هم بر کسی که حکومت می کند و هم بر تصمیماتی که به وسیله دولت گرفته می شود تأثیر گذارند.
مککلوسکی، ۱۹۶۸: ۲۴۹	مشارکت سیاسی فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیر مستقیم در سیاست گذاری عمومی است.
میلرث، ۱۹۸۱: ۲۰۱	مشارکت سیاسی فعالیتی است که اثر می گذارد یا قصد تأثیر گذاری بر حکومت را دارد.
ابروکمی، ۱۳۶۷: ۲۸۶	مشارکت سیاسی شرکت در فراگردهای سیاسی است که به گزینش رهبران سیاسی منجر می شود
چیکول، ۱۹۸۱: ۲۹۷	مشارکت سیاسی فرآیندی است در پاسخ به اینکه چگونه و چرا مردم در گیر سیاست می شوند

۱- Autonomous participation

۲- Mobilized Participation

تعاریفی که در جدول بالا آورده شد نمونه هایی از تعاریف در رابطه با مشارکت سیاسی است. آن گونه که در جدول بالا آمد مشارکت سیاسی توسط اندیشمندان مختلف با تأکید بر موضوع خاصی تعریف شده است. تأکید هانتینگتن در تعریف مشارکت سیاسی بر فعالیت خصوصی تأثیر گذار بر تصمیم گیری است. این نوع فعالیت می تواند هر نوع فعالیتی (اعم از قانونی، خشونت آمیز یا صلح آمیز و...) را در برگیرد. تعریف هاگیو و همکاران او را نیز می توان در قالب تعریف هانتینگتون جای داد. در تعریف او نیز می توان فعالیت تأثیر گذارنده بر تصمیمات سیاسی و حکومتی را دید. مککلوسکی، میلبراث، ابرو کمبی، چیلکول و اسکف نیز در تعریفشان تقریباً بر اثر گذارنده بودن مشارکت سیاسی از طریق فعالیت افراد (شهروندان) اشاره دارند. همچنین همه آن ها مشارکت سیاسی را نوعی فعالیت دانسته اند که قصد تأثیر گذاری بر حوزه سیاست (انتخاب رهبران، تصمیم گیری سیاسی و...) دارند. با توجه به مباحث بالا در مورد تعریف مشارکت سیاسی، نگارنده تعریف زیر را از مشارکت سیاسی ارایه می کند:

'مشارکت سیاسی به مجموعه فعالیت های ارادی مسالمت آمیز گفته می شود که از طریق آن افراد یک جامعه به قصد تأثیر گذاری بر تصمیم گیرهای سیاسی به طور مستقیم یا غیر مستقیم به آن دست می زنند.'

ابعاد مشارکت سیاسی

در ادبیات مربوط به مشارکت سیاسی این مفهوم به شیوه های گوناگون و هر کدام با تأکید بر معیار خاصی به ابعاد مختلف تقسیم شده است. عده ای آن را براساس گستره دخالت مردم در تصمیم گیری های سیاسی به چند دسته تقسیم کرده اند. برخی دیگر نیز بر اساس میزان و شدت دخالت سیاسی افراد و برخی دیگر هم بر اساس نوع سیستم حکومتی انواعی برای آن قابل شده اند. اندیشمندان دیگر نیز مشارکت سیاسی را بر اساس میزان تأثیر اولویت های مردم بر تصمیم گیری های سیاسی سیاستمداران و دیگران هم بر اساس شیوه مسالمت آمیز و غیر مسالمت آمیز، انواع مختلفی از آن را پیشنهاد کرده اند. در ادامه سعی بر آن است تا توضیح مختصری از هر یک از موارد ذکر شده ارایه گردد.

لستر میلبراث و گوئل بر اساس میزان شرکت افراد در سیاست آن را به انواع زیر تقسیم کرده اند: ۱- تماشاگران^۱ یا کسانی که در سطح پایین با سیاست درگیرند (در حدود ۲۰/۶۰) - گلا دیاتورها^۲ یا کسانی که غالباً در سیاست فعالند (بین ۵/۷) ۳- بی تفاوت‌ها یا کسانی که در سیاست درگیر نمی‌شوند (در حدود ۰/۳۲). بهترین کار مفهومی و تجربی در این رابطه به وسیله **سیدنی وربا ونور من نی** انجام شده است. این افراد شش نوع اصلی مشارکت را به شرح زیر مشخص کرده اند:

۱- در پایین ترین سطح مشارکت افراد کامل منفعل^۳ قرار دارند (۰/۲۲).

۲- افرادی که فعالیت سیاسی آن‌ها رأی دادن^۴ بود. (۰/۲۱).

۳- محلی‌گرایان^۵ که کنش سیاسی شان تنها بر روی بحث‌ها و مسائل محلی است (۰/۲۰).

۴- مشارکت کنندگان کوتاه بین^۶ که برای مسائل شخصی با دولت و اداره‌های محلی در تماس هستند (۰/۴).

۵- مبارزان^۷ که تنها در رابطه با مسائل خاصی که برای مبارزه می‌کنند در سیاست درگیرند (۰/۱۵).

۶- افراد کاملاً فعال^۸ که هر کاری را در زمینه سیاسی انجام می‌دهند (اسملسر، ۱۹۸۸: ۴۱۳)^۹.

اینکلهارت نیز با تأکید بر میزان تأثیر دخالت مردم بر تصمیم‌گیری سیاسی و از آن طریق بر رهبران سیاسی به دو نوع از مشارکت اشاره می‌کند:

۱- مشارکت سرآمد - وابسته: که بیش از آنکه بازتاب تأثیر اولویت‌های مردم بر تصمیمات سرآمدان باشد، رهبری مردم توسط سرآمدان می‌باشد.

۲- مشارکت سرآمد - گردان: این شکل از مشارکت شیوه جدیدتر مشارکت می‌باشد که اولویت‌های فرد را با دقتی به مراتب بیشتر و بسیار مفصل‌تر از روش کهنه بیان می‌کند. این شیوه مسأله

۱- Spectators
 ۲- Gladiators
 ۳- inactive
 ۴- Voting Specialists
 ۵- Communalists
 ۶- Parochial participation
 ۷- Campaigners
 ۸- Complete activist
 ۹- Smelser, ۱۹۸۸: ۴۱۳

گرا و به جای اتکاء بر سازمان‌ها بوروکراتیک موجود، مبتنی بر گروه‌های ویژه است (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۳۸۱).

هاگیوو همکاران انواع مشارکت را براساس نوع سیستم حکومتی مشخص کرده اند:

- ۱- مشارکت اختیاری که دموکراسی‌های لیبرال عمومیت دارد.
- ۲- مشارکت حکومتی^۱ که در حکومت‌های توتالیتر عمومیت دارد.
- ۳- مشارکت براساس روابط حامی- موکل^۲ که در کشورهای در حال توسعه عمومیت دارد (هاگیوو، ۱۹۹۸: ۸۱-۸۰).^۳

روبرت دال نیز بر اساس رابطه مشارکت سیاسی با قانون موجود در یک جامعه آن را به دو دسته کلی الف: مشارکت مسالمت آمیز (۱- تشکیل گروه‌های سیاسی ۲- به اجراء گذاشتن برنامه‌هایی که از طرف حزب یا حکومت تنظیم شده است ۳- کار برای حکومت ۴- رأی دادن ۵- تماس با دستگاه‌های اداری ۶- تبلیغات برای کاندیداها و سیاست) و ب: مشارکت غیر مسالمت آمیز یا خشونت بار (۱- آدم کشی ۲- جنگ‌های چریکی ۳- کودتا ۴- طغیان گروه‌های نظامی ۵- شورش و تظاهرات ۶- اعتصابات ۷- انقلاب) تقسیم می‌کند (مصفا، ۱۳۷۵: ۴۱).

همان‌طور که آورده شد مشارکت سیاسی بر اساس معیارهای خاصی به ابعاد مختلفی تقسیم شده است اما با توجه به مباحثی که در ارتباط با اهمیت و تعریف مشارکت سیاسی آورده شد و همچنین اگر از دید کارکردی به آن توجه شود یعنی تأثیری که مشارکت سیاسی می‌تواند بر حوزه سیاست به طور اخص و بر جامعه به طور اعم داشته باشد همه این تقسیم‌بندی‌ها را می‌توان در دو بُعد **مشارکت کامل** - **تأثیر گذار** در یک طرف و **مشارکت ناقص** - **تأثیر پذیر** در طرف دیگر جای داد. در صورتی که مشارکت نوع اول سعی در اعمال نفوذ در سیاست دارد مشارکت نوع دوم نفوذ پذیر و آلت دست نهاد سیاست می‌باشد. این نوع از منفعلانه‌ترین نوع مشارکت تا خشونت آمیزترین آن را شامل می‌شود.

۱- Regimented participation

۲- Patron- client Relationship

۳- Hague

چارچوب نظری

مشارکت سیاسی از جمله مفاهیم مهم در جامعه‌شناسی سیاسی است که اندیشمندان مختلف با رویکردهای مختلف به آن پرداخته‌اند. اندیشمندانی چون لیپست (۱۹۶۳)، هانتینگتون (۱۳۷۵، ۱۹۷۶)، دال (۱۹۷۱)، لازارسفلد (۱۹۹۴)، واینر (۱۳۷۹)، لرنر (۱۹۵۹)، داونز (۱۹۵۷) و دیگران، هر کدام به نوعی تلاش کرده‌اند تا مشارکت سیاسی را از زوایای مختلف مورد کنکاش قرار دهند. برخی به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی پرداختند. برخی نیز وضعیت سیاسی موجود را عامل مهمی در تبیین چرایی مشارکت سیاسی در نظر گرفته‌اند. دیگرانی هم با تأکید بر جنبه‌های روانی فعالیت سیاسی، مشارکت سیاسی را از جنبه روان‌شناختی مورد بررسی قرار داده‌اند و در نهایت رویکرد اقتصاد محور جامعه‌شناسی سیاسی با در نظر گرفتن رفتار عقلانی کنش‌گران سیاسی به بررسی مشارکت سیاسی با نگاهی فایده‌گرا پرداخته‌اند. بنابراین با بررسی آثار هر یک از این متفکران این نتیجه حاصل خواهد شد که هر یک از اینان در تبیین مشارکت سیاسی بر یکی از جنبه‌های ذکر شده در بالا (اجتماعی، سیاسی، روانی و اقتصادی) تأکید دارند. مثلاً لیپست و لازارسفلد بر الگوی جامعه‌شناسانه تحلیل مشارکت سیاسی، هانتینگتون بر جنبه سیاسی و اجتماعی، دال بر جنبه روان‌شناسانه و آنتونی داونز نیز بر جنبه اقتصادی در تحلیل مشارکت سیاسی تأکید دارند. در این مقاله ضمن پرداختن به نظریه لیپست، هانتینگتون، میلبراث و گوئل بر نظریه جامعه‌پذیری تأکید می‌شود.

سیمور مارتین لیپست از جامعه‌شناسان سیاسی مهم آمریکا است. او بیشتر اندیشه‌هایش در ارتباط با دموکراسی به طور اعم و مشارکت سیاسی به طور اخص و زمینه‌های آن در کتاب انسان سیاسی^۱ آورده است. لیپست میزان توسعه اقتصادی هر ملت را مهم‌ترین و اساسی‌ترین پیش شرط برقراری دموکراسی می‌داند.

لیپست در کتاب انسان سیاسی خود به بررسی برخی عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی به معنای اعم و مشارکت انتخاباتی به معنای اخص کلمه می‌پردازد. به نظر او الگوهای مشارکت رأی دهندگی در کشورهایی چون آلمان، سوئد، آمریکا، نروژ، فنلاند و برخی دیگر همانند است. مردان بیشتر از زنان رأی می‌دهند. با سوادترها بیشتر از کم‌سوادترها، ساکنان شهر بیشتر از روستاییان، افراد بین

^۱ - political man

۳۵ تا ۵۵ سال بیشتر از جوان ها ، متاهل ها بیشتر از مجردین ، افراد با پایگاه طبقاتی بالاتر بیشتر از افراد با پایگاه طبقاتی پایین تر ، اعضا سازمان ها بیشتر از افرادی که عضویت سازمانی ندارند، بیشتر در انتخابات شرکت می کنند (لیپست، ۱۹۶۳: ۱۸۷)^۱. تأکید بر این متغیرها بعدها توسط گوئل و میلبراث هم تأیید شده است (راش، ۱۳۷۷: ۱۳۳-۱۳۵).

در هر حال آنچه که از بحث بالا بر می آید این است که از نظر لیپست بین دموکراسی سیاسی و توسعه اقتصادی - اجتماعی رابطه معنی داری وجود دارد. به نظر او کشورهای توسعه یافته به دلیل اینکه دارای ساختار طبقاتی با حجم کم طبقات بالا و پایین و تراکم جمعیت در طبقه متوسط، از وضعیت دموکراتیک برخوردارند. به نظر او بیشترین و بهترین نوع مشارکت سیاسی توسط همین طبقه متوسط صورت می گیرد. به هر حال مطالعه لیپست در رده مطالعات اولیه مکتب نوسازی قرار می گیرد، بنابراین از نقدهای مربوط به این مکتب مبرا نیست در عین حال تأکید او بر برخی از متغیرهای اجتماعی به عنوان عوامل تأثیر گذار مشارکت سیاسی روشنگر بوده و در مطالعات تجربی در این زمینه به کار می آید.

ساموئل هانتینگتون علی رغم نقدهایی که بر نظریه های لیبرال دموکراسی (مانند نظریه لیپست) وارد می کند. (هانتینگتون و نلسون: ۱۹۷۶)^۲، خود نیز در نهایت در قالب مکتب نوسازی نظریه پردازی می کند. فرآیند عامی که برای توسعه دموکراسی از نظر هانتینگتون ترجیح داده شده است عبارتند از: ۱- تعیین هویت ملی ۲- توسعه نهادهای کارآمد سیاسی ۳- گسترش مشارکت سیاسی. وی تأکید می کند که مشارکت سیاسی باید در مراحل آخر این سلسله تغییرات و پس از برقراری نهادهای کارآمد سیاسی نظیر نظام های انتخاباتی و حزبی صورت پذیرد. گسترش زودرس مشارکت در این سلسله مراحل، به خشونت و بی ثباتی سیاسی منجر خواهد شد (هانتینگتون، ۱۳۷۵: ۲۱). بنابراین از نظر هانتینگتون عمل و فعالیت سیاسی قبل از هر چیز نیازمند نهادمندی سیاسی است.

هانتینگتون در جایی دیگر به مباحثی اشاره می کند که ما را به یاد بحث های لیپست می اندازد از نظر او افراد در جوامع ثروتمندتر، صنعتی تر، شهری شده تر و پیچیده تر نسبت به افرادی که در نظام اقتصادی و اجتماعی کمتر توسعه یافته تر، کشاورزی، روستایی و ابتدایی تر زندگی می کنند، بیشتر در

۱-Lipset

۲-Huntington & Nelson

سیاست دخالت می کنند. افزایش در نوسازی اقتصادی - اجتماعی و گسترش مشارکت سیاسی به نظر در مراحل مختلفی در تاریخ موجود بوده است. هرچه سطح توسعه اقتصادی - اجتماعی در جامعه بالاتر باشد سطح مشارکت سیاسی در آن جامعه بالاتر است و احتمالاً نسبت «مشارکت اختیاری» به «مشارکت بسیج شده» نیز بالاتر است (هانتینگتون و دومینگز، ۱۹۷۵: ۳۳).^۱

نظریه جامعه پذیری سیاسی

مطالعه جامعه پذیری سیاسی^۲ حوزه جدید نیست. چنین تحقیقاتی در روان شناسی اجتماعی، انسان شناسی و روان پزشکی برجسته بوده است. اما تحقیق در رفتار سیاسی در ارتباط با جامعه پذیری سیاسی نسبتاً جدید است. با این حال این به آن معنی نیست که آنهایی که در سیاست به مطالعه می پرداختند، از اهمیت آن آگاه نبودند. آموزش شهروندی و جامعه پذیری مدنی به شدت در «جمهوری افلاطون» و «سیاست» ارسطو، «امیل» روسو تأکید شده است. به هر حال، نظریه جامعه پذیری سیاسی یکی از نظریات جدید و متداول در علم سیاست است و پیدایش آن را می توان به سالهای بعد از جنگ جهانی دوم نسبت داد. این نظریه جزئی از یک مجموعه تئوریک گسترده و وابسته به نظریه ساختی - کارکردی محسوب می شود.

تعریف جامعه پذیری سیاسی

اصطلاح جامعه پذیری سیاسی در ارتباط با تأثیری به کار گرفته می شود که از طریق خانواده، مدرسه، همسایه و گروه همسالان بر فرد اعمال می شود و به همان صورت تأثیری که در زندگی بزرگسالی از طریق تعلیم و تربیت بیشتر، ازدواج، اتحادیه های تجاری - اجتماعی و کسب شغل های بالاتر در فرد رخ می دهد (همیلویت، ۱۹۸۳: ۲۳۹).^۳

جامعه پذیری سیاسی در مفهوم معمول آن به شیوه ای مربوط است که جامعه از طریق آن فرهنگ سیاسی اش را از نسلی به نسل دیگر منتقل می کند. این فرآیند ممکن است که به حفظ هنجارها و

۱- Huntington & Dominguez

۲-political socialization

۳- Hemmlweit

نهادهای سنتی کمک کند. به عبارت دیگر وقتی که عوامل اجتماعی کردن ثانویه، ارزش‌های سیاسی ای متفاوت از انتظارات سیاسی گذشته را تلقین می‌کنند یا وقتی که کودکان با انتظارات اجتماعی - سیاسی متفاوت از انتظارات سیاسی - اجتماعی خانواده شان رشد می‌یابند، فرآیند اجتماعی شدن می‌تواند وسیله ای برای تغییر اجتماعی و سیاسی باشد (لانگتون، ۱۹۶۹: ۴)^۱.

آنچه از مطالب ذیل بر می‌آید این است که جامعه‌پذیری اساساً فرآیندی اجتماعی و روان‌شناختی مرکب از چهار عنصر است: ۱- فرآیند آموزش همراه با کنش متقابل ۲- بین فردی که جامعه‌پذیر می‌شود ۳- عواملی که به عنوان ناقل جامعه‌پذیری عمل می‌کنند ۴- الگوهای رفتاری و اکتسابات نگرش‌های سیاسی که او می‌آموزد

عوامل مؤثر بر جامعه‌پذیری سیاسی

به طور کلی عواملی که افراد از آنها متأثر می‌شوند بر حسب نوع و نحوه ارتباط و میزان تأثیر می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

۱- عوامل اولیه که شامل عواملی چون خانواده، دوستان و گروه همسالان می‌باشد که افراد با آنها دارای تماس‌های نزدیک و چهره به چهره بوده و تأثیرپذیری از آن‌ها بالا می‌باشد. ۲- عوامل ثانویه که شامل عواملی چون مکان‌های آموزشی، وسایل ارتباط جمعی، انجمن‌های آزادی و نهاد دین بوده که افراد به شیوه‌های دیگری از آنها متأثر می‌شوند در ادامه بر آنیم تا توضیح مختصری از هر یک از این عوامل ارائه دهیم.

۱- خانواده

خانواده^۲ نه تنها به عنوان نهادی نخستین بلکه به عنوان مهم‌ترین نهاد در هر جامعه‌ای مطرح می‌باشد این نهاد نقش به‌سزایی در انتقال فرهنگ به معنای اعم و فرهنگ سیاسی به معنای اخص به نسل بعدی بازی می‌کند. نگرش‌هایی که خانواده در جریان جامعه‌پذیری در افراد ایجاد می‌کند، کمتر تغییر کرده و در بسیاری موارد تا پایان عمر بر رفتار افراد تأثیر می‌گذارد.

۱- Langton

۲-family

نقش خانواده در جامعه پذیری از دو عامل مهم ناشی می شود: اول اینکه خانواده بر زندگی کودکی - به ویژه در سالهایی که خویش سیاسی کودک در حال رشد و شکل گیری است - نقش تقریباً انحصاری دارد. دومین عامل پیوند محکمی است که بین اعضای خانواده و روابط بین آنها وجود دارد که آکنده از احساسات و عواطف انسانی است که در سایر نهادهای نخستین دیده نمی شود (مهرداد، ۱۳۷۶: ۱۰۹).

خانواده جایی است که در آن شهروند بالقوه از روابط قدرت آگاه می شود و اقتدار را در زمینه های وسیعی تجربه می کند (کاواناگ، ۱۹۷۲: ۳۰).^۱ برای افرادی که در خانواده ای تربیت می شوند که افراد آن خانواده به سیاست علاقمند بوده، در میانشان بحث سیاسی جریان داشته و در فعالیتهای سیاسی مشارکت می کنند نسبت به افرادی که در خانواده های کمتر سیاسی زندگی می کنند این احتمال بیشتر هست تا درکی از کفایت سیاسی در خود رشد دهند (استسری، لانگتون و کارنز، ۱۹۶۹: ۸۱۵، ۱۹۷۸: ۱۶).^۲ همچنین باید توجه داشت که پایگاه اقتصادی اجتماعی والدین مشارکت سیاسی و گرایشهای مدنی آنها دخالت و سهم متمایزی در مشارکت سیاسی جوانان دارد (بک، ۱۹۸۲).^۳

۲- گروه های همسن

گروه های همسن به گروه هایی اطلاق می شود که اعضای آن به طور نزدیکی با یک دیگر در ارتباط بوده و از موقعیت های اجتماعی مشابهی برخوردار می باشند. به این گروه ها، گروه های همسالان^۴ نیز گفته می شود.

شاید هنوز یکی از بهترین کارکرد گروه همسالان انتقال فرهنگ جامعه بزرگتری است که آنها بخشی از آن هستند. علاوه بر کارکرد انتقال و تقویت فرهنگ سیاسی جامعه، گروه همسالان یک نظام اجتماعی ای را ایجاد می کنند که در آن افراد نگرشها و رفتارهای جدید را می آموزند (لانگتون، ۱۹۶۹: ۱۰۴).^۵

۱- Kavanagh

۲- Stacery, Langton & karns

۳- Beck

۴-peer group

۵- Langton

افراد نظرات گروه‌های همسالان خود را می‌پذیرند زیرا که می‌خواهند همانند آن‌ها باشند. در برخی موارد گروه‌های همسال اعضای خود را با تحریک و فشار مجبور به تطبیق با نگرش‌ها یا رفتار مورد قبول می‌کنند (قوم، ۱۳۷۳: ۸۰) در حقیقت گروه‌های همسالان به خاطر دست‌رسی و نوع روابط عاطفی که بین آن‌ها وجود دارد تأثیرات تعیین‌کننده‌ای بر رفتار سیاسی یک‌دیگر دارند. بنابراین گروه‌های همسن در نقش «گروه مرجع»^۱ نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد خویش‌سیاسی^۲ افراد دارند.

۳- محیط‌های آموزشی

محیط‌های آموزشی به مکان‌هایی راجع است که امر ساخت، انتقال و پذیرش معارف توسط افراد را برعهده دارد. در جوامع امروزی این مکان‌ها به صورت مراکزی تخصصی در رشته‌های متعدد برقرار بوده و از منظری می‌توان گفت که با تأثیرات خاصی که بر افراد دارند انسان‌های خاصی را «تولید» می‌کنند.

در زمینه آموزش و محیط‌های آموزش بر رفتار سیاسی افراد، محققینی چون «کنت لنگتون و دیوید کارنز» (۱۹۹۶)، «براوسکی و وسینایوسکی» (۱۹۷۳)، «الن بک و کنت جنیگز» (۱۹۸۲)، «استفان کروگ» (۱۹۸۴)، «هیل پاتین» (۱۹۸۶)، «کونولی» (۱۹۹۱) «تورن» (۱۹۹۳) و دیگران به بررسی‌های میدانی همت گماردند. مثلاً «تورن» در تحقیق خود که بر روی جمعیت جوان شیلی انجام گرفت، نشان می‌دهد که آن دسته از جوانان که دارای سطح آموزش بالاتر و از تربیت منسجم‌تری برخوردار بوده‌اند، رفتار سیاسی بیشتر و عقلانی‌تری را اتخاذ می‌کنند (تورن، ۱۹۹۳).^۳

افراد تحصیل‌کرده از تأثیر حکومت بر زندگی خود، آگاهی بیشتری دارند و توجه بیشتری به سیاست می‌کنند. اینان در مورد فرآیندهای سیاسی اطلاعات بیشتری دارند و در رفتارهای سیاسی خود عهده‌دار طیف وسیع‌تری از فعالیت‌های سیاسی می‌گردند (الموند و دیگران، ۱۳۷۶: ۶۳). در کل محیط آموزشی اعم از کلاس درس، روش‌های آموزشی، مواد آموزشی، تشکل‌های سیاسی و غیر سیاسی دانشجویی تأثیرات مهمی را در جامعه‌پذیری و رفتار سیاسی افراد دارد.

۱-Reference group

۲-political self

۳- Touraine

۴- وسایل ارتباط جمعی

وسایل ارتباط جمعی^۱ به ابزارهایی اشاره دارد که کار انتقال پیام به جمع کثیری از افراد را بر عهده دارد. وسایل ارتباط جمعی یعنی تلویزیون، رادیو و روزنامه و (اخیراً ماهواره) بیش از همه مورد توجه سیاستمداران و ارتباط گران سیاسی است. سیاستمداران از وسایل ارتباط جمعی سه بهره متفاوت می گیرند: نخست، آرایه اطلاعات، دوم شخصیت پردازی و چهره سازی و سوم شکل دادن افکار عمومی و آماده کردن و جهت دادن به آن (علوی، ۱۳۷۵: ۹۴).

«برایان ام مک نایز» در کتاب خود تحت عنوان «مقدمه ای بر ارتباط سیاسی» رسانه ها را سومین عنصر در فرآیند ارتباط سیاسی می داند. در نظام های سیاسی دموکراتیک، کارکرد رسانه ها را هم به عنوان انتقال دهندگان ارتباطات سیاسی و هم به عنوان فرستندگان پیام های سیاسی در نظر می گیرند. (مک نایز، ۱۹۹۹: ۱۱)^۲

رسانه ها نقش به سزایی را در انتقال پیام های سیاسی، تقویت گرایش های سیاسی موجود، ایجاد نگرش های سیاسی جدید، آماده سازی افکار عمومی در جهت پذیرش و انجام مشارکت سیاسی و در نهایت مشروعیت سیاسی و انسجام سیاسی در یک جامعه برعهده دارند.

۵- انجمن های ارادی

انجمن های ارادی^۳ به گروه هایی اطلاق می شود که افراد می توانند به اختیارشان در آن ها عضو شده یا با آن ها همکاری کنند. این انجمن ها بر حسب اینکه چه اهدافی داشته باشند گروه های مختلفی را شامل می شوند. گروه هایی چون احزاب سیاسی، انجمن های سیاسی، بسیج دانشجویی، انجمن های صنفی، فیلم، علمی و غیره.

این گونه انجمن ها به خاطر اینکه ذاتاً اختیاری بوده و برای اهداف خاصی شکل گرفته اند همواره افرادی که در آن ها عضویت دارند به شدت متأثر گشته و کمتر خلاف هنجارهای و ارزش های آن عمل

۱-mass media

۲- McNairy

۳-voluntary associations

می کنند. به همین دلیل در اغلب موارد این انجمن ها هم منبعی برای جنبش های اجتماعی و هم برقراری نظم اجتماعی و سازماندهی افراد موجود در یک جامعه بوده است (داگلاس، ۱۹۷۲: ۲۲).^۱ این گروه ها علاوه بر اینکه به عنوان گروه های مرجع افراد عضو مطرح بوده اند، باعث ایجاد تجربیات سیاسی جدید برای افراد گشته و با پیوندهای دوستانه و عاطفی ای که ذاتی این گونه گروه ها است، خویش سیاسی فرد را تحت تأثیر قرار می دهند.

۶- دین و نهادهای دینی

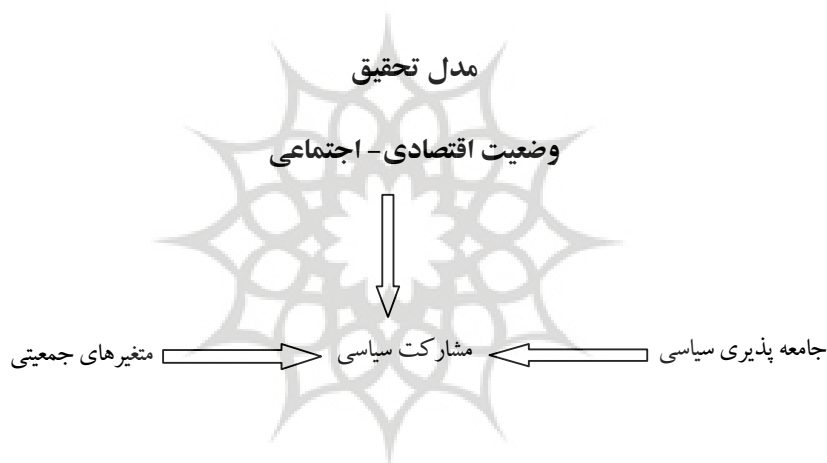
امروزه کمتر کسی می تواند نقش دین و نهاد دین را در زندگی اجتماعی به طور اعم و زندگی سیاسی به طور اخص را نادیده بگیرد. آموزه های دینی مختلف رفتارهای سیاسی خاص برای شرایط خاص از پیروانشان طلب می کنند. آن گونه که برخی از ادیان یا فرقه های دینی به داشتن پیروان محافظه کار، ارتجاعی، رادیکال و اصلاح گرا در رفتار سیاسی (لایمن، ۱۹۹۷)^۲ مشهور گشته اند. به هر حال دین به عنوان یکی از مهم ترین متغیرهای فرهنگی تأثیر به سزایی را در جامعه پذیری فرد به طور اعم و جامعه پذیری سیاسی فرد به طور اخص دارد (الموند و دیگران، ۱۳۷۶). ارزش ها و هنجارهای دینی در تمام اجزاء جامعه رسوخ کرده و همواره آن ها را متأثر می سازد. افراد به عنوان جزء فعال جامعه از این تأثیر مستثنی نمی باشند. مطالعات نشان می دهند که بین افراد دارای تعهد دینی بالا و پایین در رفتار سیاسی تفاوت وجود دارد. به این معنی که مجموعه نهاد دین همواره کسانی را که وابستگی دینی بالاتری دارند بیشتر متأثر کرده و این تأثیر رفتار سیاسی فرد را نیز شامل می شود. به طور کلی میزان التزام دینی همواره می تواند یکی از عوامل تأثیر گذار بر شیوه جامعه پذیری سیاسی فرد در نظر گرفته شود.

۱- Douglas

۲- Layman

مدل نظری

همان طور که در بالا عنوان شد در بررسی های نظری که از مشارکت سیاسی به عمل آمده ، بر جنبه های مختلفی تأکید شده است. از این رو نمی توان بر اساس یک نظریه به تحلیل دقیق مشارکت سیاسی پرداخت. با این حال با توجه به اینکه این تحقیق در پی تحلیل جامعه شناختی از مشارکت سیاسی است با استفاده از نظریه های لیپست، هانتینگتن، گوئل و میلبراث و با تأکید بر نظریه جامعه پذیری سیاسی در صدد تبیین مشارکت سیاسی دانشجویان می باشیم. از این رو بر اساس نظریه های مطرح شده مدل زیر ارائه می گردد:



شاخص های متغیرها اصلی تحقیق

- الف- **متغیرهای جمعیتی**: سن، جنس، محل سکونت، وضعیت تأهل
- ب- **جامعه پذیری سیاسی**: خانواده سیاسی، دوستان سیاسی، شرکت در انجمن های ارادی، استفاده از وسائل ارتباط جمعی، گرایش به رسانه ها، تعهد مذهبی، محیط آموزشی (دانشکده)
- پ- **وضعیت اقتصادی - اجتماعی**: وضعیت اقتصادی خانواده (نوع مسکن، درآمد، نوع خودرو، امکانات زندگی)، نوع شغل پدر، نوع شغل مادر، منزلت شغلی پدر، منزلت شغلی مادر، نوع شغل فرد، تحصیلات فرد، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، قومیت

چارچوب روش تحقیق

روش تحقیق: در این تحقیق از روش پیمایش استفاده شده است.

ابزار جمع آوری اطلاعات: در این تحقیق با توجه به تعداد نمونه آماری از ابزار پرسش نامه برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. پرسش نامه طرح شده حاوی دو نوع سؤال باز و بسته بوده است. در کل پرسش نامه مورد استفاده شامل ۳۸ سؤال بوده که از این تعداد، ۸ سؤال مربوط به متغیر وابسته (مشارکت سیاسی) و ۳۰ سؤال دیگر نیز مربوط به متغیرهای مستقل بوده است.

جامعه آماری: جامعه آماری تحقیق شامل کلیه دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه تهران، شامل دانشکده های علوم انسانی، فنی، هنر و علوم که تعداد آن بر اساس اطلاعات به دست آمده از مرکز آمار اطلاعات دانشگاه تهران ۲۶۹۳۰ نفر بوده است.

حجم نمونه: حجم نمونه ۳۷۹ نفر بوده که محاسبه آن بر اساس فرمول کوکران انتخاب شده است.^۱
روش نمونه گیری: در این تحقیق از روش نمونه گیری مختلط استفاده شده است. این روش نمونه گیری از ترکیب چند شیوه به منظور افزایش ضریب دقت به دست می آید. بنابراین در مراحل مختلف تشکیل آن روش هایی متفاوت به کار می رود و یا قسمت های مختلف آن به روش های متفاوت انتخاب می شوند (ساروخانی، ۱۳۷۷: ۱۱۶). در این تحقیق با توجه به نمونه به دست آمده از جامعه آماری، نسبت هر دانشکده بر اساس جمعیت کل آن دانشکده، از طریق نمونه گیری طبقه بندی محاسبه شد. در مرحله بعد از طریق نمونه گیری تصادفی ساده (دواس، ۱۳۷۶: ۷۴-۷۲) نمونه مورد نظر انتخاب شده است.

آزمون پرسش نامه: بعد از تهیه پرسش نامه و قبل از اجرای نهایی آن، هر پرسش و کلیت پرسش نامه مورد آزمون قرار گرفت. این آزمون به دو صورت انجام شده است. برای بررسی اعتبار، از اعتبار محتوا استفاده شده است. بدین صورت که پرسش نامه توسط تعدادی از داوران متخصص به جهات مختلفی چون قابل سنجش بودن، مفهوم بودن، ساختمان بودن و جهات دیگر مورد بررسی و داوری قرار گرفت. برای تعیین روایی پرسش نامه، ۵۰ پرسش نامه توسط دانشجویان تکمیل گردید. و از طریق ضریب

$$1 - n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \left[\frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right) \right]} \Rightarrow n = \frac{\frac{(196)^2 \times 0.5 \times 0.5}{(0.05)^2}}{1 + \left[\frac{1}{26930} \left(\frac{(196)^2 \times 0.5 \times 0.5}{(0.05)^2} - 1 \right) \right]} = \frac{384 / 16}{1 / 014} = 378 / 85 (379)$$

همبستگی پیرسون با تشکیل ماتریس همبستگی و الفاء کرونباخ روایی پرسش نامه مورد بررسی قرار گرفت. آلفا شاخص مشارکت سیاسی (متغیر وابسته) ۷۲ شده است.

متغیرهای تحقیق: در این تحقیق برای سنجش دقیق متغیرها در صورت امکان از شاخص سازی استفاده شده است. از این رو تلاش شده است تا متغیرهای تحقیق از طریق سؤالات دقیق مورد سنجش قرار گیرد. متغیرهای تحقیق عبارتند از:

الف- متغیر وابسته: متغیر وابسته در این تحقیق مشارکت سیاسی است. برای سنجش آن از ۸ سؤال بر اساس شاخص هایی که میلیرات و دال از مشارکت سیاسی عنوان کرده اند استفاده شده است. که عبارتند از: ۱- شرکت در راهپیمایی ها ۲- شرکت در انتخابات ۳- شرکت در جلسات و راهپیمایی های سیاسی ۴- فعالیت در ستادهای انتخاباتی ۵- شرکت و فعالیت در تشکل های سیاسی دانشجویی ۶- کوشش برای اقناع دیگران در ارتباط با مسأله ای سیاسی که خود به آن اعتقاد دارید ۷- خواندن بخش های سیاسی مجلات و روزنامه ها ۸- دیدن و شنیدن برنامه های سیاسی.

ب- متغیرهای مستقل: در این تحقیق از ۲۱ متغیر مستقل استفاده شده است که برای سنجش هر یک از آن ها سؤالاتی طرح شد. بنابراین این تحقیق دارای ۲۱ فرضیه می باشد. این متغیرها عبارتند از: سن، جنس (مرد- زن)، وضعیت تأهل (مجرد- متأهل)، وضعیت تحصیلی (ترم تحصیلی و سطح تحصیل)، قومیت، محل سکونت (مرکز استان- شهر- روستا)، منزلت شغلی والدین (در ۵ رتبه از منزلت شغلی پایین تا منزلت شغلی بالا بر اساس جدول رتبه بندی مشاغل (مقدس، ۱۳۷۴))، وضعیت شغلی (شاغل- غیر شاغل) برای دانشجو و شغل دولتی - غیر دولتی برای والدین دانشجو، وضعیت اقتصادی خانواده (درآمد- امکانات زندگی - نوع مسکن - نوع خودرو)، دوستان سیاسی (۷ سؤال)، خانواده سیاسی (۵ سؤال)، میزان تعهد مذهبی (۶ سؤال)، شرکت در انجمن های ارادی (انجمن اسلامی - بسیج دانشجویی - جامعه اسلامی - احزاب سیاسی و...، استفاده از وسائل ارتباط جمعی (مطبوعات- تلویزیون- رادیو- ماهواره- کتب و مجلات سیاسی)، گرایش به رسانه ها و نوع دانشکده.

یافته های پژوهش

الف- توصیف اجمالی نمونه مورد مطالعه

نمونه آماری مورد مطالعه را به قرار زیر می توان توصیف کرد:

از کل نمونه آماری ۰/۶۴ (۲۴۲ نفر) مرد و ۰/۳۶ (۱۳۶ نفر) زن بوده است. همچنین داده های به دست آمده بیانگر آن است که ۸۸/۱ از پاسخ دهندگان (۳۳۳ نفر) مجرد و ۱۱/۹ (۴۵ نفر) متأهل بوده اند. از کل نمونه ۷۹/۴ (۳۰۰ نفر) لیسانس، ۱۷/۷ (۶۷ نفر) فوق لیسانس و ۲/۹ (۱۱ نفر) دکترا بوده اند. به لحاظ سنی میانگین کل نمونه ۲۱ بوده اما بیشترین فراوانی سنی در سنین ۲۲ تا ۱۸ سال (۰/۶۰) و کمترین آن در سنین بالای ۳۱ سال (۳/۱) بوده است.

به لحاظ محل سکونت ۵۵/۲ (۲۰۷ نفر) در مرکز استان، ۳۱/۷ (۱۱۹ نفر) در شهر و ۱۳/۱ (۴۹ نفر) در روستا زندگی می کرده اند. همچنین ۲۷/۵ (۱۰۴ نفر) از دانشجویان دارای وضعیت اقتصادی پایین، ۵۸/۲ (۲۲۰ نفر) دارای وضعیت اقتصادی متوسط و ۱۴/۳ (۵۴ نفر) دارای وضعیت اقتصادی بالا بوده اند. همچنین ۶۲/۸ (۲۳۶ نفر) از پاسخ دهندگان از قومیت فارس و بقیه از اقوام دیگر بوده اند.

ب- تجزیه و تحلیل استنباطی داده ها و آزمون فرضیات

در این پژوهش رابطه بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته به دو صورت مورد آزمون قرار گرفت. ابتدا از طریق استفاده از آزمون های دو متغیره به بررسی رابطه هر یک از متغیرهای مستقل با متغیر وابسته پرداخته شد و مرحله بعد از طریق رگرسیون چند متغیره، به صورت هم زمان تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته مورد آزمون قرار گرفت.

آنچه که از بررسی رابطه بین جنسیت و مشارکت سیاسی حاصل آمد، بیانگر معنی داری رابطه بین این دو متغیر است. مردان با میانگین ۹۲/۵۳ بیشتر از زنان با میانگین ۷۴/۷۹ مشارکت سیاسی دارند. همچنین آزمون رابطه بین وضعیت تأهل و مشارکت سیاسی معنی داری (Sig=۰/۰۱) رابطه بین دو متغیر را نشان می دهد. این در حالی است که متأهل ها با میانگین ۹۷/۲۴ بیشتر از مجردها مشارکت سیاسی دارند.

در بررسی وضعیت شغلی دانشجویان تفاوت معنی داری بین مشارکت سیاسی دانشجویانی که کار می کنند و دانشجویانی که مشغول به کاری نیستند مشاهده نشده است ($Sig=0/54$). هر چند شاغلین مشارکت سیاسی بیشتری را نشان می دهند. همچنین مشارکت سیاسی دانشجویان در رابطه با نوع شغل والدین آنها نیز مورد بررسی قرار گرفت. مشارکت سیاسی دانشجویان در رابطه با نوع شغل پدر معنی دار بوده است ($Sig=0/00$). اما میانگین به دست آمده نشان می دهد که میانگین مشارکت سیاسی دانشجویانی که پدرشان در بخش غیر دولتی کار می کنند ($90/72$) بیشتر از دانشجویانی است که پدرشان در بخش دولتی کار می کنند ($80/96$). در عین حال رگرسیون دو متغیره هیچ نوع رابطه ای را بین منزلت شغلی پدر و مشارکت سیاسی دانشجویان نشان نمی دهد. این در حالی است که هر چند بین نوع شغل مادر (دولتی - غیر دولتی) و مشارکت سیاسی افراد رابطه معنی داری وجود ندارد اما بین منزلت شغلی مادر و مشارکت سیاسی دانشجویان رابطه معنی دار وجود دارد.

با بررسی رابطه بین محل سکونت دانشجویان و مشارکت سیاسی آنها مشخص شد که هر چه از مرکز استان به سمت روستا می رویم مشارکت سیاسی دانشجویان بیشتر می شود. در حقیقت کسانی که در روستا زندگی می کنند با میانگین مشارکت سیاسی $99/32$ نسبت به کسانی که در مرکز شهرستانها ($88/16$) و کسانی که در مراکز استانها ($81/75$) زندگی می کنند مشارکت سیاسی بیشتری دارند و تفاوت میانگین مشارکت سیاسی آنها نیز معنی دار ($Sig=0/00$) می باشد. این امر به نوع دیگر بین نوع دانشکده محل تحصیل دانشجویان با مشارکت سیاسی آنها صادق می باشد. بدین معنی که دانشجویان علوم انسانی با میانگین مشارکت سیاسی $94/65$ نسبت به دانشجویان فنی ($73/81$)، هنر ($69/85$) و علوم ($67/86$) مشارکت سیاسی بیشتری دارند. تفاوت میانگین مشارکت سیاسی بین آنها نیز معنی دار می باشد. به نظر می رسد این امر با محتوای درسی دانشجویان دانشکده های علوم انسانی مورد بررسی در رابطه باشد.

جدول شماره (۲) بیانگر نتایج آزمون رابطه بین متغیرهای مستقل که در سطح فاصله ای بوده است با مشارکت سیاسی دانشجویان می باشد که از طریق رگرسیون دو متغیره مورد بررسی قرار گرفت.

همان گونه که از جدول بر می آید بین متغیرهای سن، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، منزلت شغلی مادر، خانواده سیاسی، دوستان سیاسی، شرکت در انجمن های ارادی، تعهد مذهبی، استفاده از وسائل ارتباط جمعی، میزان گرایش به رسانه و وضعیت اقتصادی فرد با مشارکت سیاسی او رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول شماره ۲- عناصر رگرسیون دو متغیره بین برخی متغیرهای مستقل و مشارکت سیاسی

ردیف	نام متغیر	R	R ²	خطای استاندارد	ضریب B	Beta	مقدار T	سطح معنی داری
۱	سن	۰/۱۰	۰/۰۱	۰/۴۹۰	۱/۰۰۵	۰/۱۰۵	۲/۰۵	۰/۰۴۱
۲	تحصیلات (ترم)	۰/۰۳۰	۰/۰۰۰	۰/۸۹۱	۰/۵۳۱	۰/۰۳۰	۰/۵۹	۰/۵۵
۳	تحصیلات پدر (کلاس)	۰/۱۷۵	۰/۰۳۰	۰/۲۸۶	-۰/۹۷۳	-۰/۱۷۵	-۳/۳۹	۰/۰۰۰
۴	تحصیلات مادر (کلاس)	۰/۱۶۸	۰/۰۲۲	۰/۳۰	-۰/۸۶۶	-۰/۱۶۸	-۲/۸۸۶	۰/۰۰۴
۵	منزلت شغلی مادر	۰/۱۱۶	۰/۰۱۳	۴/۴۵	۰/۰۰۱	۰/۱۱۶	۲/۲۷	۰/۰۲۳
۶	منزلت شغلی پدر	۰/۰۷۶	۰/۰۰۵	۰/۰۰۶	۰/۰۰۹	۰/۰۷۶	۱/۴۱	۰/۱۵
۷	خانواده سیاسی	۰/۵۸	۰/۳۴	۰/۲۶۴	۳/۶۸	۰/۵۸۴	۱۳/۹۰	۰/۰۰۰
۸	شرکت در انجمن های ارادی	۰/۴۷	۰/۲۲	۰/۴۹۴	۵/۱۰	۰/۴۷	۱۰/۳۲	۰/۰۰۰
۹	دوستان سیاسی	۰/۶۷	۰/۴۵	۰/۲۱۰	۳/۶۸	۰/۶۷۴	۱۷/۵۰	۰/۰۰۰
۱۰	تعهد مذهبی	۰/۳۲	۰/۱۰	۰/۲۴۸	۱/۶۴	۰/۳۲	۶/۶۳	۰/۰۰۰
۱۱	استفاده از وسائل ارتباط جمعی	۰/۴۱	۰/۱۷	۰/۲۹۶	۲/۵۹	۰/۴۱	۸/۷۶	۰/۰۰۰
۱۲	میزان گرایش به رسانه ها	۰/۴۵	۰/۲۰	۰/۲۸۰	۳/۱۵	۰/۴۵	۹/۵۲	۰/۰۰۰
۱۳	وضعیت اقتصادی	۰/۱۰۳	۰/۰۱۰	۰/۵۱۸	-۱/۰۴۷	-۰/۱۰۳	-۲/۰۲	۰/۰۴۳

تحلیل رگرسیون چند متغیره

در این پژوهش برای تبیین متغیر وابسته از طریق متغیرهای مستقل از روش رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. در مدل رگرسیون چند متغیره سهم نسبی پیشین متغیرهای در تبیین متغیر وابسته

مشخص می شود. در ضریب همبستگی چند متغیره رابطه توأم همه متغیرهای مستقل و وابسته بیان می شود. و با استفاده از مجذور ضریب همبستگی (R^2) واریانس متغیر وابسته تبیین شده و به وسیله متغیرهای مستقل ترکیب یافته، مشخص می شود (لین، ۱۹۷۹: ۳۱۵)^۱. از این رو در این پژوهش برای تعیین سهم نسبی متغیرهای مستقل در متغیر وابسته از روش رگرسیون مرحله به مرحله استفاده شده است. در این روش متغیری که بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته دارد ابتدا وارد معادله می شود و متغیرهای دیگر دوباره برای ورود به معادله مورد بررسی قرار می گیرند (علی بابایی، ۱۳۷۷: ۷۴).

بررسی نتایج موجود در جدول زیر بیانگر این است که معادله پیشین ما دارای پنج مرحله است. که در مجموع پنج متغیر دوستان سیاسی، خانواده سیاسی، شرکت در انجمن های ارادی، گرایش به سمت رسانه ها و وضعیت اقتصادی وارد معادله رگرسیون شده اند. دوستان سیاسی با بیشترین ضریب همبستگی ($R=0.677$) با ضریب تعیین ($R^2=0.459$) بسیار بالا اولین متغیری بود که وارد معادله رگرسیونی شد. این موضوع تأثیر و سهم بالای دوستان بر مشارکت سیاسی دانشجویان دارد. در مراحل بعد خانواده سیاسی با ضریب تعیین ($R^2=0.086$) و شرکت در انجمن های ارادی با ضریب تعیین ($R^2=0.055$) و گرایش به سمت رسانه ها با ضریب تعیین ($R^2=0.038$) و وضعیت اقتصادی با ضریب تعیین ($R^2=0.010$) متغیرهای بعدی ای هستند که در گام پنجم وارد معادله رگرسیونی شدند.

در کل همان گونه که از جدول برمی آید ضریب همبستگی این پنج متغیر با متغیر وابسته (مشارکت سیاسی) برابر با ($R=0.804$) می باشد و ضریب تعیین نیز بیانگر آن است که این پنج متغیر حدود ۰/۶۵ واریانس متغیر وابسته را تبیین می کنند و ۰/۳۵ (۱-۶۵) از واریانس متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل مورد بررسی ما تبیین نشده است. در کل R^2 به دست آمده نشان می دهد معادله ما از قدرت پیشینی مناسبی برخوردار است.

۱-Lin

۱-stepwise

جدول شماره ۳- تحلیل چند متغیره به روش مرحله به مرحله از مرحله اول تا مرحله پنجم
برای پیشبینی متغیر وابسته (مشارکت سیاسی)

مراتب ورود متغیرها	متغیر وارد شده	R	R ^۲	مقدار افزوده شده به R ^۲	خطای استاندارد
گام اول	دوستان سیاسی	۰/۶۷۷	۰/۴۵۹	۰/۴۵۹	۲۴/۵۶
گام دوم	خانواده سیاسی	۰/۷۳۸	۰/۵۴۵	۰/۰۸۶	۲۲/۵۶
گام سوم	شرکت در انجمن های ارادی	۰/۷۷۴	۰/۵۹۹	۰/۰۵۵	۲۱/۲۰
گام چهارم	گرایش به سمت رسانه ها	۰/۷۹۸	۰/۶۳۸	۰/۰۳۸	۲۰/۱۹
گام پنجم	وضعیت اقتصادی	۰/۸۰۴	۰/۶۴۷	۰/۰۱۰	۱۹/۹۶

همان طور که در جدول زیر مشخص است Beta به دست آمده برای همه متغیرها جز متغیر وضعیت اقتصادی مثبت و مستقیم است و این بیانگر آن است که هر چه دانشجویان از دوستان و خانواده سیاسی تری برخوردار باشد و بیشتر در انجمن های ارادی شرکت کنند و به سمت رسانه های عمده سیاسی بیشتر گرایش داشته و از آن ها تأثیر پذیرند مشارکت سیاسی آن ها نیز بیشتر خواهد بود. اما در مورد وضعیت اقتصادی باید گفت که هر چه وضعیت اقتصادی دانشجویان بهتر باشد آن ها مشارکت سیاسی کمتری از خود نشان می دهند. و بالعکس دانشجویانی که از وضعیت اقتصادی پایین تری برخوردارند مشارکت سیاسی بیشتری از خود نشان می دهند. به هر حال متغیرهای وارد شده در معادله نشان از اهمیت و نقش بالای جامعه پذیری سیاسی بر مشارکت سیاسی دانشجویان دارد.

جدول شماره ۴- عناصر متغیرهای درون معادله برای پیشبینی مشارکت سیاسی در مرحله پنجم

ردیف	نام متغیر	B	Beta	T	Sig. T
۱	دوستان سیاسی	۲/۲۶۸	۰/۴۰۱	۱۰/۱۴	۰/۰۰۰
۲	خانواده سیاسی	۱/۷۵۷	۰/۲۷۷	۶/۹۴	۰/۰۰۰
۳	شرکت در انجمن های ارادی	۲/۵۹۹	۰/۲۳۷	۶/۷۰	۰/۰۰۰
۴	گرایش به سمت رسانه ها	۱/۴۰۲	۰/۲۰۰	۵/۵۷	۰/۰۰۰
۵	وضعیت اقتصادی	-۱/۰۴۶	-۰/۱۰۱	-۲/۹۶	۰/۰۰۰
		F=۱۱۸/۱۱۹		R=۰/۸۰۴	
		sig=۰/۰۰۰		R ^۲ =۰/۶۴۷	
		a=۶/۸۲			

جمع بندی

همان گونه که بیان شد هدف این تحقیق تحلیل جامعه شناختی مشارکت سیاسی دانشجویان بوده است. مشارکت سیاسی به عنوان مهم ترین مؤلفه توسعه سیاسی در هر جامعه ای در نظر گرفته می شود. از طریق مشارکت سیاسی است که مطالبات مردم به نظام سیاسی انتقال یافته و در نهایت موجب مشروعیت نظام سیاسی می شود. در بررسی اینکه چه عواملی موجب مشارکت سیاسی افراد در جامعه می شود اندیشمندان عوامل متعددی را مدنظر قرار داده اند. اما فصل مشترک نظریه آنها توسعه اقتصادی - اجتماعی جامعه است. از نظر اندیشمندانی چون لیست، هانتینگتون، گوئل و میلیراث و اندیشمندان حوزه جامعه پذیری سیاسی که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت ارتقاء سطح اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افراد بر مشارکت سیاسی آنها تأثیر مستقیمی دارد. بر این اساس در این تحقیق تأثیر برخی از متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر مشارکت سیاسی دانشجویان مورد آزمون قرار گرفت. از این رو در این تحقیق بر سطح خرد تأکید شده است.

در این تحقیق تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (مشارکت سیاسی) به دو شیوه مورد بررسی قرار گرفت. ابتدا به شکل جداگانه تمام متغیرهای مستقل در رابطه با مشارکت سیاسی مورد آزمون قرار گرفت. و بعد با توجه به اینکه متغیرها در علوم اجتماعی دارای تأثیر متقابل هستند از این رو به شکل هم زمان از طریق تحلیلی چند متغیره تأثیر هم زمان همه متغیرهای مستقل بر مشارکت سیاسی مورد آزمون قرار گرفت. نتایج تحلیل دو متغیره نشان دهنده تأثیر این متغیرها بر مشارکت سیاسی بوده است. از میان ۲۱ متغیر انتخاب شده به عنوان متغیر مستقل، بین ۱۶ متغیر و مشارکت سیاسی دانشجویان رابطه معنی داری دیده شده است. که این تا حدود زیادی مفروضات برآمده از نظریه های مشارکت سیاسی را تأیید می کند.

با توجه به اینکه تأکید این تحقیق بر نظریه جامعه پذیری سیاسی بوده است نتایج چند متغیره نیز تأثیر متغیرهای جامعه پذیری سیاسی را بر مشارکت سیاسی دانشجویان تأیید کرده است. در حقیقت باید توجه داشت که خانواده، دوستان، انجمن های ارادی و رسانه ها در کنش سیاسی افراد نقش مهمی را بازی می کنند. این بدان معنی است که هر چه افراد در موقعیت هایی قرار گیرند که در آن مباحث و موضوعات سیاسی بیشتری مطرح شود طبعاً آنها هم تحت تأثیر آن بیشتر به سمت کنش سیاسی کشیده می شوند.

بنابراین جامعه پذیری سیاسی نقش مهمی را در مشارکت سیاسی افراد بازی می کند. برخلاف متغیرهای جامعه پذیری سیاسی تأثیر وضعیت اقتصادی بر کنش سیاسی افراد به گونه ای دیگر است. چرا که با توجه به نوع رابطه هر چه وضعیت اقتصادی افراد بهتر باشد مشارکت سیاسی آنان هم کمتر خواهد بود. اگر هدف کنش سیاسی افراد را تغییر وضعیت موجود بدانیم این نتیجه منطقی است. چرا که افراد با وضعیت اقتصادی پایین تر بیشتر مشارکت سیاسی دارند به این دلیل که آنان در پی بهبود وضعیت خود هستند و در صدد هستند تا این کار را از طریق کنش سیاسی انجام دهند. هر چند که تنها دلیل کنش سیاسی افراد تغییر وضعیت اقتصادی نیست اما در جوامعی که اکثر افراد جامعه از مشکلات اقتصادی رنج می برند تغییر وضعیت اقتصادی به هدف اصلی مشارکت سیاسی تبدیل می شود. طبقات بالا و متوسط جامعه هم در این گونه جوامع به خاطر مطالبات مدنی دست به کنش سیاسی می زنند. به همین دلیل است که معمولاً دلایل کنش سیاسی طبقات مختلف جامعه متفاوت از یکدیگر است.

فهرست منابع

- ابروکمی، نیکلاس و دیگران (۱۳۶۷): فرهنگ سیاسی، ترجمه حسن پویان، تهران، انتشارات چاپ پخش.
- الموند، گابریل و دیگران (۱۳۷۶): چارچوبی برای سیاست تطبیقی، ترجمه علیرضا طیب، تهران، ناشر مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- ایوبی، حجت الله (۱۳۷۷): مشارکت سیاسی، به اهتمام علی اکبر علیخانی، تهران، نشر سفیر.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳): تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران، انتشارات کویر.
- دواس، دی، اس (۱۳۷۶): پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نائی، تهران، نشر نی.
- راش، مایکل (۱۳۷۷): جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، انتشارات سمت.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۷): روش های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۳): توسعه سیاسی و تحول اداری، تهران، انتشارات قومس.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۳): بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی.
- علوی، پرویز (۱۳۷۵): ارتباطات سیاسی، تهران، مؤسسه نشر علوم نوین.
- علی بابایی، یحیی (۱۳۷۷): رگرسیون چند متغیره در نرم افزار آماری، تهران، مؤسسه نشر جهاد.
- مصفا، نسرين (۱۳۷۵): مشارکت سیاسی زنان در ایران، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

- محمدی، مجید (۱۳۷۸): درآمدی بر رفتارشناسی سیاسی دانشجویان در ایران امروز، تهران، انتشارات کویر .
- مهرداد، هرمز (۱۳۷۶): جامعه پذیری سیاسی، تهران، انتشارات پازنگ.
- مقدس، علی اصغر (۱۳۷۴): منزلت مشاغل در جامعه شهری ایران: مطالعه موردی شهر شیراز، نشریه علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره ۲۰.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۵): سامان سیاسی در جوامع دست خوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر علم.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۵): موج سوم دموکراسی، ترجمه احمد شهسا، تهران، انتشارات روزنه.
- واینر، مایرون و ساموئل هانتینگتون (۱۳۷۹): درک توسعه سیاسی، مترجم پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- Almond, G; S. Verba (۱۹۶۳): **Civic Culture** , Princeton: Princeton university press
- Bec, A.P. and M. Jennigs (۱۹۸۲): **"Pathways to participation "** , *American Political science Review* , Vol. ۷۶, No. ۲۴.
- Browski, j. G. W. wieslaw (۱۹۷۳): **"factors related to student s voluntary social work "** , *the polish sociological Bulletin*, no. ۱-۲.
- Chillcotle, R.H (۱۹۸۱): **Theories of comparative politics**; the search for a paradigm, Colorado: west press.
- Croug, S. (۱۹۸۴): **political discontented participatory styles: An exploratory study of college youths, youth and society.**
- Connolly, M. (۱۹۹۱): **Black youth and politic in Liverpool**, *European journal of intercultural studies.*
- .Dougl, S.A (۱۹۷۲): **"Voluntary Associational structure in Malaysia: some Implication for political participation "** , *Journal of voluntary action Research.*
- Downzs, Anthony (۱۹۵۷): **An theory of Democracy**, new york, harper & Row.
- Himmelweit, H.T. (۱۹۸۳): **"Political Socialization"** *American social Science Journal.* Vol. ۳۵.
- Hogue, R. M, Harrop & s. Breslin (۱۹۹۸): **comparative Government and politics**: an introduction, London: Macmillan press LTD .

- Huntington, s.p., j., Dominguez (١٩٧٥): "**political development**". In Handbook of political science, edited, Cree stein. F,G, nelson, w. pohspy.addison- wesly polishing Company .
- Huntington, S.P and J. Nelson (١٩٧٦): **No easy Choice: Political Participation in Developing Countries**, Cambridge: Harvard University Press.
- Kavanagh .D. (١٩٧٢): *studies in comparative politics, political culture*, London: the Macmillan press.
- Langton, k,p (١٩٦٩): *political socialization*; oxford university press.
- Langton, k,p and D.karns (١٩٦٩): "*The Relative influence of the Family, peer group and school in the development of political efficacy*" western political Quarterly. vol. ٢٢, No. ٤.
- lazaresfeld, paul & etc (١٩٩٤): *the people choice*, Columbia press ,usa.
- Layman ,c(١٩٩٧): "*religion and political behavior in the united state : the impact of beliefs , affiliation and commitment from ١٩٨٠ to ١٩٩٤* , public opinion Quarterly , vol. ٦١ , summer .
- Lerner, D (١٩٥٦): **the passing of traditional society**: modernizing the middle east , new York, free press .
- Lipset, S.M (١٩٦٣): **Political man: The social Bases of Politics**, New York: University Press.
- Lin, N. (١٩٧٦): *foundation of social research*, London; M.C gram hill. inc
- Mc Nair, B (١٩٩٩): "*An introduction to political communication*" London, Routledge press.
- Milbrath, L. (١٩٨١): "**political participation**", Handbook of political behavior Vol.٤ ,ed .S .long , new York :plenum press.
- Macclosky, R (١٩٦٨): political participation, **International Encyclopedia of social science**, vol. ١١, new York : Macmillan press.
- Pattijn, H. (١٩٨٦): **political knowledge of last year secondary school pupils in Belgium**, Republica, vol.٢٨.no.٢ .
- Scaff, L (١٩٧٥): **two concepts of political participation**, The Western political Quarterly, vol. ٢٨, No.٣.
- Smelser. , N,j (١٩٨٨): "**Handbook of sociology**' , London: Sage publication.

starcery , B(۱۹۷۸): " *political socialization in western societies* , Edward & Arnold , London .
Tourain, A (۱۹۹۳): " *youth and society in Chile* ", international social science Journal.

مشخصات نویسندگان

علی اصفیروز فیروز جانیان، دانشجوی دوره دکتری جامعه شناسی دانشگاه تهران و عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور است. علاقه پژوهشی وی در زمینه جامعه شناسی سیاسی و جنبش های اجتماعی است.

afirooz@ut.ac.ir

دکتر جهانگیر جهانگیری، استادیار بخش جامعه شناسی دانشگاه شیراز

